

## نگاهی به تظاهرات ضد تبعیض نژادی در آمریکا



رصدخانه روابط بین الملل

برداشت روز نگاهی است تحلیل گرایانه به اقدامات و پدیده های جهانی در حوزه فرهنگی، اجتماعی و بین الملل

# برداشت روز

## ■ اشاره:

گاهنامه تحلیلی «برداشت روز» با رویکرد تحلیلی نسبت به مسائل روز در مجمع جهانی صلح اسلامی تهیه می گردد. لزوم شناخت دقیق، صادقانه و نزدیک به واقع، نسبت به مسائل، رویدادها و جوامع مختلف ما را برآن داشت تا به واکاوی و تحقیق در این زمینه همت گماریم. بی شک این گونه شناخت نسبت به مسائل و رسیدن به یک چرایی و چگونگی ایمن از آن، نیازمند اقداماتی است که توجه و پالایش نظرات و تجربیات نخبگان و اندیشمندان یک حوزه و جامعه از مهم ترین آن هاست. از این رو گاهنامه «برداشت روز» با ترجمه کارهای تحقیقاتی، علمی، تحلیلی و میدانی اندیشمندان و متخصصان در حیطه موضوع مربوطه و سپس ارائه تحلیل و برداشت نهایی، در صدد تولید و ارائه این نگاه کامل و جامع برآمده است؛ تا آن را در خدمت مردم، سازمان ها، نهادها و نخبگان داخلی و خارجی قرار دهد و گام مثبت و ارزنده ای در بازنمایی حقایق، ممانعت از ترویج برداشت های غیرواقع و ناصحیح و اعتلای اندیشه انسانی بردارد. حمایت شما برای ما در مسیر پیش رو سرمایه ارزنده ای خواهد بود.

## فهرست

۳

گزارش تحلیلی:  
تظاهرات تبعیض نژادی در سیاتل

۹

گزارش تحلیلی:  
تبعیض در درمان معترضین مبتلا به کرونا

۱۰

فرجام سخن:  
پیامدهای تظاهرات آمریکا

تظاهرات اخیر در ایالات مختلف آمریکا مانند سیاتل، شیکاگو، مینه سوتا و دیگر شهرها از ابعاد مختلف مورد توجه اندیشمندان سراسر جهان قرار گرفته است. این جنبش اجتماعی از منظر تاثیرگذاری بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و رویدادهای داخلی این کشور، لزوم بررسی مساله حقوق بشر نمادین در آمریکا، نزدیک شدن شعارهای موجود در تظاهرات به مواضع ضد امپریالیستی و گفتمان صلح طلبانه و عدالتخواهانه مجمع جهانی صلح اسلامی و نیز امکان ادبیات سازی سیاسی و بین المللی و دیگر زوایا مورد تاکید و اهمیت تحلیلگران قرار گرفته است. از این رو این شماره برداشت روز نگاهی تحلیلی به تظاهرات ضد تبعیض در ایالات متحده داشته است.

## تظاهرات تبعیض نژادی در سیاتل:

سر آغازی پر دوران جدید  
حقوق مدنی در آمریکا

گزارش تحلیلی-دیوید کرومان



در این «گزارش تحلیلی - میدانی» به نقش اثرگذار تظاهرات سیاتل در آغاز دورانی از تحول حقوق مدنی و شهروندی در آمریکا اشاره می کند و به بررسی و تحلیل دیدگاههای نخبگان و اندیشمندان داخلی آمریکا و نیز مردم حاضر در تظاهرات در رابطه با «فساد و ظلم سیستماتیک» موجود در ساختار ایالات متحده می پردازد؛ که نتیجه آن تبعیض و بی عدالتی در ساختارهایی چون پلیس این کشور و... است.

رهبران سیاهپوست، سیاستمداران و مدافعان عدالت اجتماعی در حال مقایسه دوران مختلف حقوق مدنی هستند؛ جنبش اعتراضی سیاتل آنقدر سریع و قدرتمند رخ داد که مساله خشونت برخی نهادها مثل پلیس را در رابطه با حقوق مدنی و شهروندی وارد فاز جدیدی کرد.

در سیاتل و جاهای دیگر، خواستار جایگزینی بودجه پلیس و تخصیص آن وجوه به خدمات اجتماعی جوامع شده اند؛ که اکنون در ایجاد قدرت و امنیت درونی اولویت دارد.

به نظر می رسد جوامع سیاهان و متحدان آنها در همه جا منتظر همین لحظه هستند - فرصتی برای ترک فراخوان های پلیس و در عوض اصرار بر تغییر آنها که شش سال پیش - پس از مرگ مایکل براون در فرگوسن - نتوانستند به آن دست یابند.



## مرگ جورج فلویید، سنگ تظاهرات را از تپه با پایین هل داد!

این جنبش غیرقابل توقف است. این حرکتی است جهانی که مانند آن قبلاً دیده نشده بود. این بزرگتر از یک جنبش حقوق مدنی صرف است. تاکنون جنبش حقوق مدنی بزرگترین چیزی بود که ما دیده بودیم.

**دومینیک دیویس**، مدیرعامل موسسه معابر جامعه که یک موسسه غیرانتفاعی است، گفت: «در صد روشن کردن شعله جوانان است. هر نژاد، عقیده، رنگ، قومیت، همه بیرون آیند. بچه ها یا افراد پیر! من اهمیتی نمی دهم شما چه مذهبی دارید. من اهمیتی نمی دهم ترجیح جنسی چیست. عدالت باید محقق شود!»

معترضان علاوه بر کاهش چشمگیر در بودجه پلیس، خواستار کاهش اتهامات و حبس معترضین هستند. سازمان محلی «بلاک لایتر» متعهد شده است که اقدامات خشونت آمیز در این شهر متوقف شود و مساله اردوگاه های بی خانمان ها را نیز حل و فصل کند. رهبران گروه «بلاک لایوز» نیز از پلیس سیاتل خواسته اند که تیمی برای اسکان زدایی تأسیس کند. برخی دیگر می خواهند مأموران «پلیس یونیفرم» را از مدارس دولتی خارج کنند.

وب سایت King County Equity Now انواع دیگری از مطالبات معترضان را شرح می دهد؛ از جمله اینکه جنی دورکان (شهردار) پیشنهادی فعلی سازمان های تحت رهبری سیاهان را مبنی بر به حداکثر رساندن زمین و اموال عمومی قابل استفاده به نفع اهداف جامعه را می پذیرد.

برخی دیگر اهداف بسیار گسترده و جاه طلبانه ای را ارائه داده اند و بعضی ها نیز بسیار غیرواقع بینانه به مساله می نگرند؛ مثلاً درخواست دارند: جبران خسارت های وحشیانه پلیس، محاکمه مجدد برای همه افراد اعم از سفید و رنگی در زندان پس از محکوم شدن به جرایم خشونت آمیز، کنترل اجاره دادن ها در سیاتل و سایر مطالبات اینچنینی. در این تظاهرات، کشمکش

های گاه و بیگاه پیرامون تمرکز و عدم تمرکز حول برخی مواضع وجود دارد.

عضو شورای شهر سیاتل به دلیل استفاده از حرکت اعتراض آمیز برای گفت و گو در مورد اهداف سوسیالیستی، به سختی مجازات شد. روزنامه نگار شهروند - عمر سلیسبوری - که در حال مستند کردن اعتراضات در مورد کاپیتول هیل است، در مورد معترضین سفید پوست نوشت: همه چیز با آنچه معترضین سیاه می خواستند مطابقت ندارد؛ مثلاً در برخی حیطه ها مواضع و روش معترضین سفید و سیاه نسبت به یک مساله واحد تفاوت هایی دارد، و گاه سازمان های سیاه ارتباط مستقیمی با خواسته افراد موجود در خیابان ها ندارند. اما جالب است که در هسته اصلی آنها، انبوه افرادی که هر شب در خیابان های شهر، در تالار شهرشان و در بلوک های مورد نیاز کاپیتول هیل ملاقات هایی صورت دادند نیز حضور داشتند و در صدد بودند تا انرژی خود را روی چشمگیرترین تصور از امنیت عمومی در تاریخ کشور متمرکز کنند.

در سطح ملی طی چهار دهه گذشته، هزینه پلیس در ایالات متحده تقریباً سه برابر شده است؛ از ۴۲،۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ به ۱۱۴،۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ رسیده است که طبق تجزیه و تحلیل داده های سرشماری ایالات متحده توسط انستیتوی شهری انجام شده است.

**متی مونی**، یکی از بنیانگذاران شبکه های زنان در سیاتل مستقر در بنیاد همبستگی گفت: من فکر می کنم هر تعدادی که برای پلیس دفاعی پیشنهاد شود، باید چیزی باشد که افراد احساس کنند تأثیر زیادی بر جامعه ما خواهند







گذاشت و صوری و نمایشی نباشد. برنامه‌هایی مثل این قبلاً تأثیر فراوان داشته است.

در لس آنجلس، شهردار اریک گارستی گفته است که به میزان ۱۵۰ میلیون دلار از بودجه پلیس خواهد کاست، این وارونگی نسبت به افزایش ۷ درصدی او در ماه آوریل، قابل توجه بود. از نظر رادیکال‌ها، اکثر اعضای شورا در مینیاپولیس از برچیده شدن اداره پلیس به طور کلی حمایت کرده‌اند و این اتفاقی بی سابقه در رویدادهای مربوط به حقوق بشر و زندگی مدنی خواهد بود.

در اینجا در سیاتل برخی از اعضای شورا در حال حاضر ۵۰ درصد کاهش در بودجه ۴۰۰ میلیون دلاری پلیس در شهر را در نظر گرفته‌اند؛ اما کاهش بودجه پلیس چندان ساده نیست. سؤالاتی که رهبران سیاسی در سیاتل و جاهای دیگر به طور جدی درمورد آنها بحث می‌کنند، چالش‌هایی از این دست است که مثلاً: تغییر ساختاری حاصل از آن چگونه ممکن شود، چگونه می‌توان پول را به اهداف دیگر واگذار کرد، آیا برخی کارکردهای پلیس به کار سایر بخش‌ها تبدیل می‌شود، چگونه نیروهای کوچکتر به جای آن آموزش داده و به کار خواهد گرفت یا به عبارت دیگر: چگونه می‌توانید ضمن حفظ سلامت و امنیت جوامع، پلیس را در آمریکا کم‌رنگ و پاره پاره یا دارای کارکرد مثبت کنید؟

### اصلاحات پیش می‌رود!

در طول هشت سال گذشته، سیاتل برای اصلاح بخش پلیس خود، تحت نظر یک قاضی فدرال ۱۰۰ میلیون دلار هزینه کرده است. این فناوری متعاقباً فناوری‌های جدید دیگری را برای پررنگ کردن پلیس‌هایی که اغلب مشکل سازند و نیز نگره داشتن بهتر برخی داده‌ها راه‌اندازی کرده است. گویی این افسران را برای استفاده از زور و مداخله در بحران مجدداً آموزش داده و نظارت جدید غیرنظامی را برقرار کرده است.

در دادگاهی اخیر، مقامات شهری، وزارت پلیس پیش از این بهار لورنا گونزالس (رئیس شورای شهر سیاتل) فکر می‌کرد که این تلاش ارزش آن را داشته باشد. وی گفت: «من همیشه اعتقاد داشته‌ام که این الگویی است که می‌توانیم با آن کار کنیم و اصلاح کنیم؛ اما عضو شورای دوره دوم با او هم عقیده نیست و نمی‌پذیرد که این واقعیت داشته باشد. او اکنون، با اکثر همکارانش، از نظریه‌ای تحت عنوان «پارگی کل سیستم» پشتیبانی می‌کند.

## گره خورده به تاریخ:

در مورد تغییر تحولات پیرامون نحوه اداره پلیس در آمریکا در تاریخ این کشور متاسفیم.

## گزینه های پلیس:

اعضای جنبش Black Lives Matter معتقدند که جبران خسارت ادارات پلیس باید منجر به گزینه های دیگری برای مسئله مدیریت پلیس این کشور شود.

**شان گود**، مدیر اجرایی غیرانتفاعی مستقر در سیاتل با اشاره به تغییراتی که این گروه در دادرسی کیفری در نظر دارد، گفت: آنچه بیشترین حس بد را ایجاد می کند این است که ما شروع به ساختن یک جایگزین می کنیم در حالی که عمداً در حال خراب کردن خانه ای هستیم که اکنون در آن زندگی می کنیم. از سوی دیگر دیویس براین باور است که جایگزین باید شامل تغییر اساسی در قدرت باشد، و این جوامع باشند که تصمیم بگیرند چه کسی در خیابان ها گشت زنی کند.

**دیویس** پیش بینی می کند، این استراتژی مستلزم یک حرکت آهسته در طول ۱۰ تا ۱۵ سال آینده است تا این که نیاز جامعه به افسران پلیس به آرامی از بین رود. بعضی ها تا آنجا پیش می روند که می گویند جامعه ای را می توان در آینده نه چندان دور بدون هیچگونه افسری پلیس پیش بینی کرد، تصویری که ممکن است در نگاه اول ترسناک باشد.

**جلیکا چارارو** (فعال و استاد یار دانشکده حقوق دانشگاه واشنگتن)

گفت: پروژه الغاء، چه الغای پلیس، چه از بین بردن زندان، ممنوعیت بازداشت مهاجرت و مانند آن، در کل این ساختارها را منسوخ خواهد کرد زیرا مسائل و ضوابط اجتماعی که برای حل آنها طراحی شده اند و بعضاً بوی نژاد پرستی گرفته اند، دیگر سودمند شناخته نمی شوند.

**چدارو** نیز گفت: افرادی که در انتهای بخش شمالی سیاتل زندگی می کنند، برخلاف همسایگی های جنوب غربی، بدون حضور پلیس در زندگی روزمره خود فعالیت می کنند و این نشان می دهد این

فراخوانی که ادارات پلیس را مقصر اصلی میدان می داند بر این عقیده است که پلیس به طور ذاتی نژادپرستانه عمل می کند و این مساله ریشه در بردگی و وضعیت تاریخی بردگان دارد.

**تیلور** گفت: زمان کنونی مانند هیچ زمان دیگری در گذشته نیست و درخواست ها نیز چیزهایی مانند گذشته نیست؛ ما از شما نمی خواهیم چیزی به ما بدهید. ما فقط آنچه را که اجداد ما هزینه پرداخت می کردند، بازپرداخت می کنیم.

**میشل مریوودر**، رئیس جمهور و مدیرعامل اتحادیه شهری متروپولیتن سیاتل گفت: من فکر می کنم ده ها سال است که با ساختار فعلی سعی در ایجاد وضعیت بهتر و اصلاحات کرده ایم.

اگر چه من همیشه مایل هستم که امتحان کنم تا اوضاع بهبود یابد، اما با وجود لحظه ای که الان در آن هستیم و گریه

های مردم در سراسر کشور و به ویژه در سیاتل، فکر می کنم آستانه صبر جامعه از بین رفته است.

اگر ما در برهه کنونی نتوانیم دوره هم جمع شویم و پیشرفت های جدی ایجاد کنیم، فکر می کنم مرحله بعدی فقط بازسازی صرف باشد.

**ونزالس** نیز به همین نتیجه رسیده است. او گفت: ۱۰۰ میلیون دلاری که برای اصلاحات در شهر خرج کرده است باید در جاهای دیگر در مسیر فرصت های مسکن

، آموزش و ثروت برای مردم سیاه و قهوه ای صرف می شد. من به عنوان وکیل حقوق مدنی، همیشه از این فکر که در جریان جنبش حقوق مدنی نبودم آزرده و پشیمان می شوم، زیرا آن را الهام بخش و قدرتمند دیدم.

این جنبشی که همه ما شاهد آن هستیم فرصتی برای حضور همه ماست؛ به ویژه افرادی که دارای مناصب قدرت مانند من هستند. فکر می کنم این جنبش حقوق مدنی ما است. ما برای اولین بار

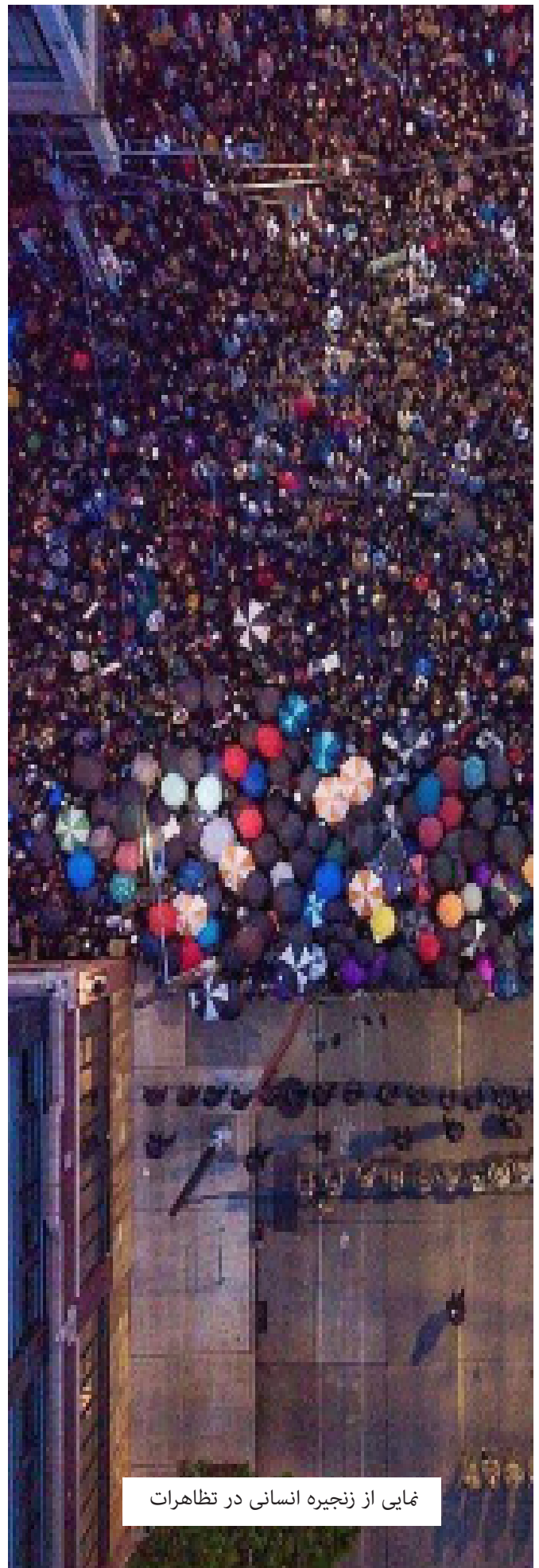


تئوری در امریکا چندان دور از ذهن و ترسناک نیست. اینگونه نیست که ما قبلاً نمونه ای نداشته باشیم که قادر نبوده باشد به مقابله با مشکلاتی که در زندگی ایجاد می شود رود، بدون آنکه حضور پلیس را لازم داشته باشد. نامزد سابق شهردار نیکیتیتا الیور، که حضور مداوم در اعتراضات دارد به جامعه ای که در کاپیتول هیل شکل گرفته است، به عنوان نمونه ای عالی از افرادی که در قالب اختیارات خود مراقبت و برقراری نظم می کنند، اشاره می کند.

**الیور** تحلیل می کند: ما الان افرادی را در جوامع خود می بینیم که می توانند از طریق اجتماع حرکت و برقراری نظم کنند، به مردم کمک کنند و به نیازها پاسخ دهند. آنها طرز تفکر پلیس را ندارند. طرز تفکر پلیس در ایالات متحده این است که فردی را پیدا کنید که مرتکب اشتباهی شده است و می گوید کسی که مرتکب خطایی شده است، باید وارد سیستم مجازات کیفری شود.

مدافعان طرح الغای پلیس همچنین به شواهدی اشاره می کنند که نشان می دهد افسران لزوماً اجتماعات را امن تر نمی کنند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، هنگامی که افسران پلیس نیویورک در اعتراضات به حمایت آشکار شهردار بیل دی بلسیو نسبت به ظلم و ستم پلیس که نسبت به کندی مرتکب شده بود، امار جرائم مرتبط پس از آن کاهش نیافت. این مساله ای است که ممکن است برخی پیش بینی نکرده باشند.

**جنی دورکان** گفته است باید ظلم سیستمی در امریکا کنار گذاشته شود و واشنگتن و مسیری که طی کرده است، می تواند مثالی برای سیاتل باشد. باید این هزینه ها را پردازیم. باید رهبری کنیم تا فساد و ظلم سیستمی را نابود کنیم. او عملاً از کلمه «فساد سیستماتیک» و «ظلم سیستمی» در آمریکا نام میبرد و خواستار مقابله با آن می شود.



نمایی از زنجیره انسانی در تظاهرات



## تبعیض در درمان معترضین مبتلا به کرونا!

واکسیناسیون فلج اطفال و... ایجاد می شود؛ اما این لزوماً به صلح نهایی منجر نمی شود. در واقع علی رغم بحران سلامت جهانی و درخواست های آتش بس در تنش های داخلی و خارجی کشور ها به ویژه تظاهرات سیاتل و مینه سوتا و دیگر ایالات امریکا، اما باز هم بعید است که دولت فعلی در این کشور بتواند صلح با معترضین برقرار کنند - بلکه برعکس این دولت به راحتی پذیرش و صلح با آنان را امکانی برای تضعیف بیشتر خود از ابعاد مختلف می بیند؛ مثلاً افول پوپولیسیم و ناسیونالیسم و تاثیر در انتخابات آینده و حتی به زیر کشیده شدن ناگهانی دولت.

شوک بیرونی مانند کرونا و ویروس در بسیاری کشورها باعث وقفه در درگیری ها می شود، اما ساختارهای اساسی درگیری و تنش را تغییر نمی دهد!

سؤال اصلی این است که آیا کرونا و ویروس و لزوم توقف تظاهرات می تواند روال درگیری ها را به گونه ای تغییر دهد تا روند صلح سرعت بگیرد؟ آیا بحران همه گیر انسانی (مثل کرونا) که نیاز جوامع بشری را به یکدیگر بیشتر می کند می تواند زمینه ساز نزدیکی و صلح شود یا برعکس عمل می کند؟

### مثال "آچه" مفید است:

در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴ یک سونامی وحشتناک در سواحل آچه (استان کوچک شمال شرقی اندونزی) رخ داد که بیش از ۱۵۰,۰۰۰ نفر را در این منطقه کشته ، صدها هزار نفر را بی خانمان و بخش اعظم مناطق ساحلی را ویران کرد.

در آن زمان ، اندونزی در حال مبارزه با مبارزات خونین علیه نهضت آزاد آچه بود. در همین راستا در طول سال گذشته ، ارتش اندونزی حدود دوهزار

گزارش تحلیلی - استفان هریس



در این مطلب استفان هریس به مساله تبعیض ریشه ای در امریکا حتی در مقوله درمان میان معترضین و مردم عادی، سیاهان و سفیدان در شرایط بحران کرونا توجه دارد و سپس با اشارات تاریخی به نقش بحران کرونا و امکان زمینه سازی از آن جهت توقف درگیری ها و صلح گام به گام می پردازد.

- همزمان با ادامه بیماری همه گیر کروناویروس در سرتاسر جهان و ادامه تظاهرات سراسری در ایالات مختلف آمریکا، سازمان ملل متحد خواستار آتش بس جهانی برای محافظت از جان شهروندان در مناطق درگیری و برقراری صلح شده است؛ اما نباید غافل بود که اولاً صلح در زمان بحران، به خودی خود ایجاد نمی شود و دوم آن که فقط آرام سازی موقت و صلح ناپایدار کافی نیست بلکه باید شرایط یک صلح مطلوب ایجاد شود تا ماندگار باشد!

گروه های مسلح در یمن و سوریه به سرعت از درخواست سازمان ملل استفاده کردند اما بسیاری دیگر از کشورها من جمله امریکا به آن بی توجهی نشان می دهد. این در شرایطی است که امارها حاکی از آن است که بیمارستان ها نسبت به وضع سلامتی معترضین و سیاهان حساسیت کمتری به خرج می دهند نسبت به دیگران و این نشان دهنده وضع اسفبار و اوج تبعیض و اقدامات ضد بشر دوستانه در امریکاست؟

اما معترضین هم حاضر به عقب نشستن نیستند. پس باید چه کرد؟ تحقیقات نشان می دهد که برقراری صلح بویژه صلح پایدار انهم در شرایط کرونا به یک دسته از عوامل وابسته است.

یک رسم دیرینه وجود دارد که آتش بس را به دلایل سلامت بشری مانند لزوم کارزارهای





در مورد مساله امريکا بطور مثال، آيا شورشيان سياتل با پذيرش ختم درگيري و تظاهرات بعلت بحران انساني کرونا از انجام تعهدات دولت و عدم ابراز بي عدالتی و تبعيض و خشونت مجدد ساختاری و ... می توانند اطمینان داشته باشند؟

يا در مورد مساله عفو معترضين و ... تحقیقاتی که من در مورد عفوهایي که دولت ها در جریان درگيري انجام داده ام نشان داده است که بزرگترین نگرانی برای گروه های شورشی این است که آيا این عفو در آینده پایدار خواهد ماند ، بدون اینکه بعداً خطر پیگرد قانونی وجود داشته باشد؟

مانند مواردی که به عنوان یک قانون تصویب شده است؟ اگر مشکل تعهد در اینگونه شرایط حل و فصل شود و دولت ها نسبت به صلح در آینده نیز متعهد بمانند یک راهکار عالی برای صلح به نسیب پایدار تر خواهد بود. در طولانی مدت ، یک پژوهش بزرگ نشان داده است که وقتی نظارت از جامعه بین المللی مانند صلح سازمان ملل یا واسطه های بین المللی انجام می شود ، روند صلح موفق تر است.

جامعه بین الملل اغلب در بهترین زمان ها فاقد شرایط لازم جهت مداخله قاطعانه و مطلوب است اما شرایط کنونی نیز می تواند فرصتی برای ایجاد فضای باز نسبت به فشار بیشتر به دولت ها برای توجه به پیامدهای برقرار نشدن صلح باشد؟

الزام به برقراری عدالت انسانی در کنار صلح و توجه برابر به حقوق و سلامتی معترضين و دیگر افراد باید در دستور کار باشد. به طور کلی تهدید کرونا می تواند باعث تحول روحی در بین مبارزان و دولت ها در مسیر یافتن راههای صلح و البته عدالت در ابعاد مختلف آن شود که مهم ترین شرط آن در نظر گرفتن حقوق عادلانه همه طرفین است!

نفر را کشت که اکثر آنها غیرنظامی بودند! کل منطقه تحت کنترل نظامی و کاملاً ناسب به جهان خارج بسته بود شبیه آنچه در سیاتل به یکباره رخ داد! اما چه چیز باعث حل معضل و صلح بین نظامیان و تظاهرکنندگان شد؟

## شناخت و فشار جهانی

شناخت بین المللی مساله عامل اصلی حل معضل در اندونزی شد که گام اول را رسانه ها و مجامع مردم نهاد و حقوق بشری برداشتند و سپس مساله وجهه جهانی گرفت و سازمان ملل بیانیه های اعتراضی زد و این واکنش همگانی باعث شد دولت به خواست تظاهرکنندگان بیشتر توجه کند. همزمانی سونامی و درگیری و شرایط بغرنج حقوق بشری و انعکاس خواسته های معترضين بود که باعث ایجاد صلح شد نه خود سونامی!

نوعی کانون توجه بین المللی ناسب به این منطقه شکل گرفت که قبلاً وجود نداشت. هم سازمان های امداد رسانی و هم سازمان ملل متحد نگرانی ها را مبنی بر تداوم درگیری ها ابراز داشتند.

در همین حال جنبش آنچه آتش بس اعلام کرد. طرفین وارد مذاکره شدند و بعد از بیان شروط مذاکراتی که دو سال به دنبال آن بودند، در طی نه ماه سرانجام این اقدامات به نتیجه رسید و طرفین صلحی را برقرار کردند که امروز همچنان در استان پایدار است. در تظاهرات امريکا نیز با توجه به اعتراض های جدی به وضعیت تبعيض و مسائل دیگر باید تمام فشارهای جهانی اعمال شود تا خواست معترضين دیده و شنیده شود چرا که خواست آنان انسانی است نه شورش صرف!

## مشکل اعتماد و تعهد را جدی بگیرید!

یکی از مهمترین عوامل بازدارنده برای گروه های معترض و به طور کلی تنش های اینچنینی جهت برقراری صلح ، عدم اطمینان در مورد امنیت آنها پس از پایان درگیری و پایداری نتیجه است. گروه ها غالباً نگران این هستند که اگر تسلیم شوند و در صورت تهدید مجدد و عدم تعهد دولت ، قادر به دفاع از خود نیستند . در این شرایط چه خواهد شد؟

صلح در شرایط بحرانی شناخته می شود ؛ زیرا گروه های شورشی نمی توانند به دولت برای حفظ وعده های خود اعتماد کنند.

## پیامدهای تظاهرات آمریکا

یادداشت تحلیلی- زینب عامری

در این یادداشت به واکاوی و تحلیل پیامدهای جنبش اعتراضی آمریکا در ابعاد مختلف پرداخته شده است:

تنش های اخیر در ایالات مختلف آمریکا در اعتراض به تبعیض نژادی و مسائل حقوق بشری در این کشور، از آن جهت که این کشور در شرایط مطلوبی از لحاظ اقتصادی، سلامتی، اجتماعی و امنیتی و... قرار ندارد، می تواند به زعم بسیاری از تحلیلگران زمینه ساز یک برون ریزی جدی اجتماعی و سیاسی باشد و این علی رغم حمایت سفیدپوستان از ترامپ بر وضعیت انتخابات پیش رو و وجهه دولت ترامپ نیز اثرگذار خواهد بود. در این رابطه چند نکته گفتنی است:

۱) شرایط مشابهی به سال ۱۹۶۸ توسط مارتین لوتر در اعتراض و به تبعیض نژادی در آمریکا رخ داد. در نهایت نیکسون به پیروزی رسید و این پیروزی بیش از هر چیز ناشی از نگرانی سفیدپوستان از برهم خوردن وضع کنونی آن زمان ایالات متحده بود. این سابقه تاریخی نشان می دهد چالش و دوگانگی جدی در انتخاب ریاست جمهوری آینده ایالات متحده نیز به انتظار نشسته است.

۲) مساله دیگر بروز شعارهایی است که در این تظاهرات سر داده می شود و مفهوم یک جنبش اجتماعی کم سابقه و مهم را در خود دارد. شعارهایی چون «صلح بدون عدالت نمی خواهیم»، «عدالت باشد، صلح آید»؛ «عدالت و صلح یکی به دیگری نه»، «ظلم را ببر عدالت را بیاور» و مانند آن نشان از چند متغیر مهم دارد:

الف) واژه صلح و عدالت همواره از گفتمان های اصلی اسلام، انقلاب اسلامی و مجمع جهانی صلح اسلامی بوده است و در مضامین ادبی و اجتماعی و سیاسی ایالات متحده و حتی در تظاهرات مارتین لوتر این ادبیات به این شکل تمامیت خواهی از صلح، دیده نمی شد.

بدان معنا که ارتباط بین جامعه نخبگی در غرب و نشست های مکرر مجمع جهانی صلح اسلامی در ایران در تاتر و انتقال گفتمان انقلاب اسلامی به بیرون مرزها و ادبیات سازی در بعد نخبگی در غرب اثر گذار بوده است. همچنین یک سیر تجربی در تظاهرات مردمی در ایالات آمریکا و برخی دیگر از ملت ها چون فرانسه و آلمان اکنون

به وقوع پیوسته است؛ که هم مسیر و هم هدف گفتمان ماست. گفتمانی که جهانی است و خواهان تحقق دو بعد صلح و عدالت در کنار یکدیگر برای کمک به اعتلای حقوق بشر است.

ب) استفاده و ترویج این ادبیات در میان مردم عامه (و نه دانشمند و نخبه) در ایالات متحده و... این مهم را نشان می دهد که این مردم آسیب دیده از خشونت و تبعیض و نژاد پرستی سیستماتیک در حال رسیدن به اصول و رهاورد مفهومی و مشترک با بسیاری از اندیشمندان و نخبگان هستند.

این مهم می تواند با همراه شدن دو جریان مردمی و نخبگان مردم محور در سراسر جهان یک جریان اجتماعی بی سابقه را کلید زند و سرآمدی بر تغییر شک ساختاری و بهبود وضع حقوق بشر در تمام جهان باشد و قبل از هر چیز بساط یکجانبه گرایی های قدرت طلبانه، سیاست های ظالمانه و ستم سیستماتیک و دو لبه دولتمردان آمریکا (در داخل و خارج) را برچیند و نیز بر نزدیکی بیشتر مردم آمریکا با اصول فکری مذکور را در تعیین سرنوشت آنان موجب شود. این شعارها همچنین نشان از نوعی افزایش بیداری و سواد اجتماعی و سیاسی در میان مردم آمریکا نسبت به سیاست های آشکار و پنهان دولتمردان آنهاست که در کوتاه مدت و بلندمدت اثر مقتضی را خواهد گذاشت.

ج) این شعارها بر تغییر ادبیات سیاسی دولتمردان آمریکا و سیاست رفتاری آنان قدرت اثر خواهد داشت که این نیز بی شک در معادلات سیاسی داخل و خارج خاک آمریکا و بسیاری پدیده های سیاسی سرنوشت ساز مانند انتخابات آتی اثرگذار خواهد بود.

۳) نوع برخورد ترامپ در ۲ صحنه خارجی و داخلی نسبت به تظاهرکنندگان و معترضان علیه سیاست های او، بستر ساز منفوریت پوپولیست در ابعاد جهانی خواهد شد.

پوپولیستی که با اسم مردم و بر گرده آنان سوار شده اما زمانی که به قدرت تکیه می زند بنا بر منفعت خویش عده ای از همان مردم را به نفع عده ای دیگر قربانی خواهد کرد و این چیزی نیست جز آمیختگی با ناسیونالیسم افراطی!

پوپولیستی که هرگز و در هیچ سرزمینی در مسیر عدالت واقعی، انسانیت و آزادی خواهی به نفع بشریت حرکت نکرده و همیشه بدترین آسیب های مدیریتی، سیاسی و اقتصادی و... از دل همین پوپولیست علیه مردم زائیده شده است. این مسئله آینده سیاسی آمریکا و جهان را سمت و سو خواهد داد.

۴) یکی دیگر از اثرات تظاهرات که بیشتر از منظر

همه زمینه‌ساز تشدید خشونت و نه حل این مسئله و علیه حقوق انسانی در آمریکا خواهد بود. این مسئله بدون شک با توجه به خواست مردم مبنی بر جایگزینی و الغای نهاد پلیس با نهادهای مشابه، کاهش بودجه و قدرت و نفوذ آن و برخی مسائل دیگر بر مسئله نظارت شهری و مدیریت شهری اثر گذار خواهد بود و این اتفاقی نوین از منظر جامعه‌شناسی سیاسی است؛ که بدون شک به کاهش اعتماد وجه نهادهای نظارتی امنیتی در آمریکا و ایجاد شکاف عمیق میان مردم و پلیس خواهد بود. بخش اعظم قدرتی که به واسطه آن آمریکا سیاست‌هایش را به جهان تحمیل می‌کرد، در حال فروپاشی است!

۵) لزوم شفافیت سیاسی در مورد وضعیت نگرشی اروپا نسبت به سیاست‌های داخلی و خارجی آمریکا یکی دیگر از تبعات این تظاهرات خواهد بود. سیاست‌های اروپا همواره در قبال آمریکا در مواجهه با مسائل اینچینیسی سیاست یک بام و دو هوا و دو پهلو بوده است؛ که در بیان به آمریکا انتقاد داشته اما در مقام عمل حمایت یا سکوت نسبت به سیاست‌های امپریالیستی و ضد بشری در آمریکا بوده است که مانند آن در برجام هم تجربه شد! اما وضعیت کشورهایمانند فرانسه و آلمان و دیگر کشورها نیز پس از تظاهرات نژادپرستی در آمریکا در حال تکان خوردن است. پس از جنبش جلیقه زردها در فرانسه و متاثر شدن این کشور از التهابات ناشی از این جنبش و نیز رویداد مشابهی که بی عدالتی نسبت به پرونده یک سیاهپوست در فرانسه را به دنبال داشت و به علت این مسئله در بازداشتگاه جان خود را از دست داد همه زمینه‌ساز تغییر رفتاری و شفافیت اجتماعی و مدنی در این ملت‌ها خواهد شد.

این مسئله فرانسه آلمان و بسیاری دیگر از کشورها را مجبور خواهد کرد با توجه به اعتراضات داخلی آنها نسبت به تظاهرات ضد نژادپرستی در آمریکا مواضع خود را بیش از پیش روشن کنند و در مقابل سیاست‌های ظالمانه آمریکا در دو بعد داخلی و خارجی مواضع خود را روشن کنند.

اعتراضات ضد تبعیض و نژادپرستی در آمریکا درحقیقت اعتراضی نسبت به ساختارهای فساد در آمریکا است، این اعتراض جمعی است اما هیجانی نیست بلکه هدفمند است و نقاب از چهره بزرگ کرده ایالات متحده و بسیاری دولت‌های مدافع او

جامعه‌شناسی سیاسی مطرح است، نگرش مجدد به مفهوم «نظارت اجتماعی، پلیس و امنیت در آمریکا» خواهد بود و مهر تاییدی است بر این نظریه اجتماعی که «خشونت خشونت می‌زاید!» به طور دقیق در تظاهرات مردمی بعد از کشته شدن جرج فلویید این سخن قابل لمس گردید.

این تظاهرات بدون خشونت و با شعار «صلح و عدالت» و بر مدار صلح‌خواهی آغاز شد؛ اما افزایش خشونت علیه تظاهرکنندگان، سرکوب چکشی، استفاده از ابزار خفکان مثل گاز اشک‌آور و ضرب و شتم، به کارگیری خشونت رسانه‌ای و زبانی مضاعف و... منجر به بروز افزایش تقابل‌های خشونت‌آمیز میان مردم و نظامیان شد و در افزایش آمار کرونا و نیز قربانیان آن افزود.



راهبرد ضربتی و خشک ترامپ درحقیقت گره بر گره افزودن در مسائل اجتماعی و شهری است و این نشان از ضعف مدیریت شهری و راهبردی و بی‌توجهی به مردم در آرمان‌شهر خیالی به نام آمریکاست! آرمان شهری که به جای فهم و توجه به خواست معترضین، به علت مغایرت خواست آنان با منافع طبقات فرادست و قدرت حاکم در آمریکا و خودکامگی سران آن‌ها، ترجیح بر خنثی‌سازی و سکوت و وادار کردن به خفکان‌گذار شده است! و این موجب تجمیع و انفجار خشونت از زیر پوست مردم شهر در تقابل با قدرت حاکمه شده است. بریدن سر خوک‌ها توسط چند تظاهرکننده و بالا بردن آن به نماد تشابه آن با پلیس آمریکا، نشانه اوج نارضایتی مردم از پلیس و نیز اقدامات دولت است.

نوع برخورد پلیس با مردم آمریکا قبل از این تظاهرات و پس از آن، نوع مواجهه ترامپ با معترضین، استفاده از گاز اشک‌آور که عواقب طولانی مدت بر روی اعصاب و بدن دارد، استفاده از سیاست تحقیر و ندید گرفتن آنان و خشونت زبانی و فیزیکی توامان، سرکوب‌خواسته‌های آنان همه و همه فنون مدیریت غیر انسانی هستند و برخاسته از ضعف مدیریت شهری! مدیریت شهری که در شرایط بحران اجتماعی، ضروری‌ترین کار ممکن است.

این مسائل در کنار افزایش آمار کشته‌شدگان



چون فرانسه و ... بر می دارد. که خود را آرمانشهری صوری معرفی نموده بود و اینک بی تفاوتی و ظلم آنها نسبت به مسئله حقوق بشر و عدالت انسانی نشان از حقیقت وجودی آنها است. بسیاری این اعتراضات را هیجان جمعی اجتماعی دانستند؛ اما استقرار گارد ملی آمریکا در بیش از ۳۰ ایالت و درگیری مکرر پلیس با مردم در آمریکا خلاف آن را می گوید.

ریشه خشم مردم از ساختارهای فاسد این کشورها نه یک هیجان آنی و زودگذر؛ که عمیق و ریشه ای است؛ چرا که مانند آن در تاریخ کشورهای چون آمریکا و فرانسه به کرات دیده شده است و امروز مسیر تکامل خود را طی می کند. این را به مصداق عینی می توان یک جنبش اجتماعی به تمام معنا دانست که در ایجاد دورانی مدنی جدید در آمریکا و تحول حقوقی اجتماعی و سیاسی در آمریکا اثر گذار خواهد بود. همچنین تظاهرات آمریکا علاوه بر انتخابات آینده ریاست جمهوری در آمریکا بر ادبیات سیاسی جهان، رابطه ملت ها با آمریکا، وجهه بین المللی این کشور و نیز مسئله حقوق بشر در جهان رد پای خود را خواهد گذاشت.

در نهایت باید گفت نهادینه شدن خشونت و تبعیض نژادی در آمریکا تا به آن حد پیش رفته است که مقامات قضایی و امنیتی که حافظان جان و حق مردم هستند پا بر روی حقیقت گذاشته و از بی عدالتی و ستم سیستماتیک حمایت می کنند و این نشان می دهد که این آرمان شهرهای خیالی چگونه از مرز انسانیت و حقوق بشر عبور کرده و به حقوق صرفا سیاسی و منفعت پرستی سیاسی و نژادی نزدیک شده اند و باید مورد فشار و تغییر رویه از سوی مجامع بین المللی و مردم جهان واقع شوند. اما این ماجرا ها و اعتراضات گسترده در آمریکا و به تبع آن در فرانسه و آلمان و ... بیانگر آن است که گفتمان سرمایه داری و منطق اومانستی در حال افول و در نقطه مقابل آرمان های الهی، اسلامی، اخلاقی و انسانی در حال بروز و پر رنگ شدن هستند. نزدیکی این اتفاقات به گفتمان اسلام و مجمع جهانی صلح اسلامی علاوه بر اثر گذاری گفتمان ما بر روی روشننگری در جهان ناشی از برتری ذاتی و فطری این منطق و گفتمان نسبت به منطق سیاه غرب نسبت به بشر و حقوق بشر است.

